

تاریخ

کانال تخصصی "تاریخ من"

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پهچا 1399

درس ۶

امویان بر مسند قدرت

تهیه و تنظیم: مرتضی نساچی

پس از آنکه در سال 41 هـ.ق، امام حسن در پی صلح، حکومت را به معاویه پسر ابوسفیان از خاندان اموی واگذار کرد، خلافت امویان شکل گرفت. امویان تا سال 132 هـ.ق بر سرتاسر قلمرو جهان اسلام حکومت کردند و سپس شاخه ای از آنان تا چندین قرن بعد در اسپانیای اسلامی (اندلس) زمام امور را در اختیار داشت. در این درس، شما تحولات مهم و ویژگی های دوران خلافت بنی-امیه و حکومت آنان بر اندلس را بررسی و تجزیه و تحلیل خواهید کرد.

امویان پیش از خلافت

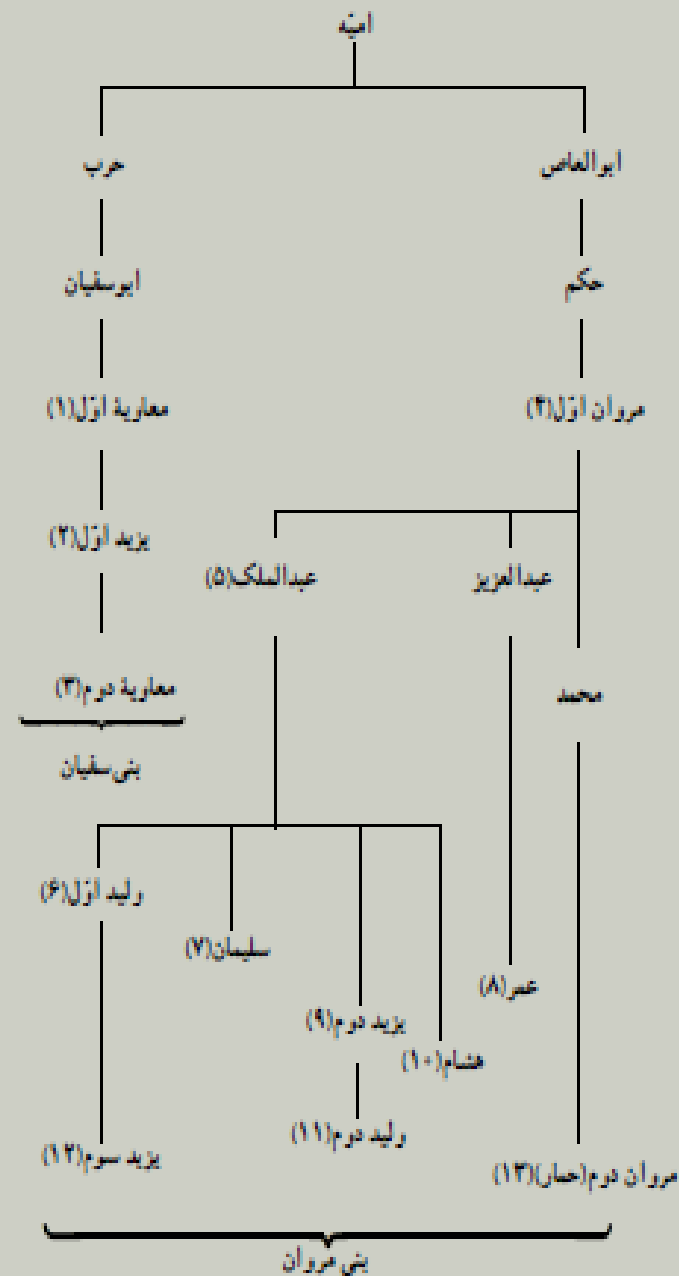
امویان (بنی امیه)، از خاندان‌های قدرتمند و پرنفوذ قبیله قریش در عصر جاهلیت به شمار می‌رفتند. این خاندان از طریق تجارت و اداره برخی از مناصب کعبه، ثروت فراوانی اندوخته بودند.

پس از بعثت پیامبر، بنی امیه با سرسختی تمام در برابر دعوت به اسلام، ایستادگی کردند و سران آنان یعنی ابوجهل و ابوسفیان، رهبری سیاسی نظامی قریش را علیه مسلمانان به دست گرفتند. خاندان بنی امیه پس از فتح مکه، به ظاهر مسلمان شدند.

امویان از دوران ابوبکر تا تشکیل حکومت

امویان در دوران خلافت ابوبکر و عمر فعالانه مشارکت کردند؛ از جمله دو پسر ابوسفیان به نام های **یزید** و **معاویه**، فرماندهی بخشی از سپاه اعراب مسلمان را در جریان فتح منطقه شام به عهده گرفتند و سپس یکی پس از دیگری، از سوی عمر به حکومت این منطقه مهم منصوب شدند. **در خلافت عثمان** که خود از خاندان بنی امیه بود، نفوذ و قدرت امویان بسیار افزایش یافت و حکومت شهرهای مهم و فرماندهی سپاه را برای ادامه فتوحات در اختیار گرفتند. پس از عثمان، بیشتر سران بنی امیه از بیعت با علی علیه السلام خودداری و با آن حضرت به مخالفت پرداختند. امویان که نقش مهمی در ایجاد **جنگ** **جمل** داشتند، پس از شکست در این جنگ، به معاویه در **شام** پیوستند و با تمام قوا از او در **جنگ صفین** پشتیبانی کردند.

تتجره نامه بنی امیه



دودمان اموی

جدول خلفای اموی

ردیف	نام خلیفه	رویدادهای مهم
۱	الف - سفیان بن ابی سفیان (۶۴ - ۴۱ ق) معاویه بن ابوسفیان (۶۰ - ۴۱ ق)	تشکیل سلسله امویان - موروثی کردن خلافت
۲	یزید بن معاویه (یزید اول) (۶۴ - ۶۰ ق)	واقعه کربلا و شهادت امام حسین <small>علیه السلام</small> - به آتش کشیدن کعبه - شورش عبدالله بن زبیر
۳	معاویه بن یزید (معاویه دوم) (۶۴ ق) ب - مروان بن مروان (۱۳۲ - ۶۴ ق)	
۴	مروان بن حکم (مروان اول) (۶۴ - ۶۵ ق)	قیام توابین
۵	عبدالملک بن مروان (۸۶ - ۶۵ ق)	قیام مختار ثقفی - برقراری حکومت ظالم حجاج بن یوسف ثقفی در عراق و تعقیب و آزار شیعیان
۶	ولید بن عبدالملک (ولید اول) (۹۶ - ۸۶ ق)	گسترش فتوحات اسلامی از سند تا اسپانیا و شمال آفریقا
۷	سلیمان بن عبدالملک (۹۹ - ۹۶ ق)	
۸	عمر بن عبدالعزیز (۱۰۱ - ۹۹ ق)	توقف فتوحات - ممنوع کردن اهانت به علی <small>علیه السلام</small>
۹	یزید بن عبدالملک (یزید دوم) (۱۰۵ - ۱۰۱ ق)	بروز نزاع اعراب عدنانی و قحطانی و شورش یزید بن مهلب - آغاز دعوت عباسیان
۱۰	هشام بن عبدالملک (۱۲۵ - ۱۰۵ ق)	گسترش اسلام به ترکستان و مرزهای چین - قیام زید بن علی بن حسین <small>علیه السلام</small>
۱۱	ولید بن یزید (ولید دوم) (۱۲۶ - ۱۲۵ ق)	قیام یحیی بن زید - شورش یزید سوم
۱۲	یزید بن ولید (یزید سوم) (۱۲۶ ق)	
۱۳	ابراهیم بن ولید (۱۲۷ - ۱۲۶ ق)	شورش مروان بن محمد
۱۴	مروان بن محمد (مروان دوم) (۱۳۲ - ۱۲۷ ق)	قیام ابو مسلم

حکومت معاویه بر شام

معاویه در زمان عمر به حکومت شام منصوب شد و با وجود اعتراض و مخالفت برخی از مسلمانان تا زمان خلافت علی علیه السلام در این مقام باقی ماند. حکومت طولانی مدت وی بر منطقه شام، این منطقه را تبدیل به پایگاهی مناسب و مطمئن برای قدرت طلبی و ثروت اندوزی بنی امیه ساخت. معاویه در طی این مدت با فریب کاری و تبلیغات فراوان پشتیبانی کامل مردم شام را نسبت به خود و خاندانش جلب کرد. از این رو، **شامیان** در جریان شورش معاویه بر امام علی و امام حسن علیهما السلام، از امویان طرفداری کردند.

معاویه برای رسیدن به اهداف قدرت طلبانه‌ای که در سر داشت، خود را **خون خواه و وارث حقیقی عثمان**، خلیفه سوم معرفی می نمود. او، همچنین با وعده حکومت شهرها و مناطق مختلف و بذل و بخشش فراوان از بیت المال، عده ای از سیاست مداران زیرک و جاه طلب مانند **عمرو عاص و مغیره بن شعبه** را به خدمت گرفت. با خُده **عمرو عاص** بود که معاویه از شکست حتمی در **جنگ صفین** نجات پیدا کرد.

تأسیس خلافت امویان

پس از شهادت حضرت علی (ع) (21 رمضان سال 40 ق)، معاویه در شام خود را خلیفه خواند و از مردم آنجا بیعت گرفت. امام حسن (ع) نخست با ارسال نامه هایی به معاویه، او را از طغیانگری و تلاش برای جنگ و خونریزی بر حذر داشت؛ اما معاویه بدون توجه به نصایح آن حضرت، به عراق لشکرکشی کرد و امام حسن (ع) به منظور مقابله با او، همراه با سپاهی که فرماندهی آن را قیس بن سعد بن عبادہ انصاری به عهده داشت از کوفه خارج شد. سینه های معاویه برای خریدن یا جدا کردن فرماندهان و بزرگان سپاه کوفه از آن حضرت، موجب ایجاد آشفتگی در سپاه ایشان شد و حتی امام حسن (ع) مورد سوء قصد یکی از سپاهیان خود قرار گرفت. در چنین اوضاعی که اعتماد امام نسبت به کوفیان سلب شده بود، آن حضرت به علت خیانت سردارانش و برای جلوگیری از دختن خون مسلمانان، صلح به امام حسن (ع) تمهیل شد و ایشان با شرایطی، خلافت را به معاویه واگذار کرد.

با به خلافت رسیدن معاویه، دوران خلفای نخستین به پایان رسید و خلافت اموی آغاز شد. در

دوران خلافت امویان، 14 نفر از اعضای خاندان بنی امیه از دو شاخه سفیانی و مروانی یکی پس از دیگری

بر مسند قدرت نشستند.

در عصر اموی، سپاهیان مسلمان، مناطق وسیعی را در شرق و غرب قلمرو خلافت گشودند. یکی از مهم ترین فتوحات مسلمانان در زمان بنی امیه، فتح اسپانیا (آندلس) به دست سردارانی چون طارق بن زیاد و موسی بن نصیر بودند. سپاهیان اسلام حتی مناطقی از جنوب فرانسه را تصرف کردند، اما سرانجام در نبردی بزرگ از مسیحیان شکست خوردند و به اسپانیا عقب نشستند.

در زمان امویان، درگیری و جنگ های زیادی میان مسلمانان و سپاه امپراتوری روم شرقی اتفاق افتاد. حتی سپاهیان مسلمان چندین بار شهر قسطنطنیه، پایتخت امپراتوری روم را از زمین و دریا محاصر کردند، اما موفق به فتح آن شهر نشدند.

یکی از اقدام های برجسته امویان تأسیس نیروی دریایی و گسترش فتوحات در دریا بود. معاویه این اقدام را به منظور فتح جزایر دریای مدیترانه و پایان دادن به حاکمیت مطلق رومیان بر آن دریا، انجام داد. از آن زمان مسلمانان به اهمیت ابعاد نظامی، ارتباطی و تجاری دریا و دریانوردی، توجه بیشتر نشان دادند.



قلمرو مسلمانان در دوره بنی امیه



مسجد اموی — دمشق



دروازه کاخ هشام بن عبدالملک در شهر رقه بر ساحل فرات

سیاست و حکومت بنی امیه

ویژگی‌های عصر اموی

مهم ترین تحولی که با خلافت خاندان اموی پدید آمد، فاصله گرفتن حکومت از اصول و ارزش‌های انسانی و اخلاقی مورد تأکید قرآن و پیامبر اسلام؛ **تبدیل خلافت دینی به سلطنت** بود. نشانه‌ها و آثار این تحول به شکل‌های مختلف در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دوران خلافت اموی ظاهر شد.

نشانه‌ها و آثار تحول در دوره خلافت اموی

➤ ۱- استفاده از زور در کسب و حفظ قدرت:

➤ ۲- موروثی شدن خلافت:

➤ ۳- قومیت‌گرایی و تشدید تعصبات قبیله‌ای:

➤ ۴- تبعیض و نابرابری اقتصادی:

➤ ۵- ترویج تفکر جبر‌گرایی

➤ ۱- استفاده از زور در کسب و حفظ قدرت:

معاویه، نخستین خلیفه ای بود که برخلاف خلفای پیش از خود، با زور و غلبه نظامی، زمام امور را به دست گرفت.

در زمان امویان، شیوه اخذ بیعت **توأم با تهدید و اجبار** بود. بدین گونه که ابتدا بزرگان خاندان اموی و سپس فرماندهان نظامی و امیران ولایات بیعت می کردند. پس از آن، امیر و والی هر منطقه از افراد صاحب نفوذ و دیگر مردمان تحت حکومت خود بیعت می گرفت و مخالفان را به جان و مال تهدید می کرد.

حکومت بنی امیه همواره در برابر معترضان و مخالفان خود سیاست سرکوب و خشونت را دنبال می کرد. حتی **معاویه** که خود را سیاستمداری اهل مدارا و مسالمت جو نشان می داد، انتقاد و اعتراض برخی از شیعیان مانند **حجر بن عدی و عمرو بن حمق** را تحمل نکرد و دستور به قتل آنان داد.

بیشتر صاحب منصبان سیاسی و نظامی حکومت اموی به ویژه حاکمان شهرها و مناطق مختلف قلمرو خلافت، افرادی خشن و خونریز بودند. **حجاج بن یوسف ثقفی** از مشهورترین این افراد بود.

➤ ۲- موروثی شدن خلافت:

معاویه با تعیین پسر خود، یزید به ولیعهدی، نخستین گام را در جهت موروثی کردن خلافت برداشت. برخی از خلفای اموی، همزمان برای دو پسر خود به عنوان ولیعهد بیعت می‌گرفتند. این اقدام موجب ایجاد دودستگی و زمینه ساز اختلاف و رقابتی شد که از درون خلافت امویان را تضعیف کرد.



بقایای کاخ هشام بن عبدالملک در اریحا واقع در فلسطین اشغالی

➤ ۳- قومیت‌گرایی و تشدید تعصبات قبیله‌ای:

امویان برخلاف روش اسلام که هر نوع تبعیض نژادی را ناروا می‌داند، به پیوندهای قبیله‌ای و قومی اهمیت زیادی می‌دادند. به همین دلیل در مرتبه اول خاندان و قبیله خود یعنی بنی‌امیه و قریش را بر اقوام غیرعرب برتری بخشیدند.

در زمان حکومت آنان، مسلمانان غیرعرب که موالی نامیده می‌شدند، موقعیت اجتماعی پایین‌تری نسبت به اعراب مسلمان داشتند و از برخی حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود محروم بودند. موالی اجازه نداشتند که منصب‌های سیاسی، نظامی و قضایی، مانند حکومت شهرها و ولایات، فرماندهی سپاه و قضاوت را بر عهده گیرند.

عرب‌گرایی امویان و تحقیر و تبعیض‌هایی که نسبت به مسلمانان غیرعرب، به خصوص ایرانیان روا می‌داشتند، زمینه‌گرایش آنان را به مخالفان خلافت بنی‌امیه به خصوص اهل بیت پیامبر فراهم آورد. از این رو، موالی حضوری چشمگیر در قیام‌ها و شورش‌های ضداموی مانند قیام مختار، قیام زید فرزند امام سجاد علیه‌السلام و شورش عبدالرحمان بن اشعث داشتند.

➤ ۴- تبعیض و نابرابری اقتصادی:

خلفای اموی بیت المال مسلمانان را همچون خزانه شخصی تلقی می کردند و در توزیع درآمدهای عمومی، بیشتر منافع شخصی، خاندانی، قبیله ای و قومی خود را در نظر داشتند.

برای مثال، **امویان شیوه توزیع مساوی عطایا میان مسلمانان** را که علی(ع) بنا نهاده بود، تغییر دادند و سهم به مراتب کمتری برای مسلمانان غیرعرب یا موالی در نظر گرفتند.

همچنین در زمان برخی از خلفای اموی برای جبران کمبود مالی، برخلاف تأکید صریح اسلام از **نومسلمانان در خراسان و مناطق دیگر جزیه** گرفته شد.

➤ ۵- ترویج تفکر جبرگرایی در دوره امویان:

معاویه و برخی از طرفداران او، برای آنکه مردم حکومت امویان را بپذیرند و در برابر آن مقاومت نکنند، به ترویج تفکر جبرگرایی پرداختند. بر اساس این فکر، تمامی آنچه برای انسان ها و جوامع رخ می دهد، خواست و تقدیر الهی است و هیچ گریزی از آن نیست. در واقع امویان می خواستند چنین القاء کنند که فرمانروایی آنان و اقداماتی که انجام می دهند، تقدیر خداوند است و نباید در مقابل تقدیر الهی ایستاد.

خلیفه ای متفاوت

در میان خلفای اموی، **عُمر بن عبدالعزیز**، هشتمین خلیفه این سلسله، شیوه ای متفاوت در حکومت اتخاذ کرد و تصمیم گرفت که به کتاب خدا و سنت پیامبر عمل نماید.

از این رو، اقدام به تغییر و اصلاحاتی کرد؛ از جمله دستور داد که فتوحات متوقف گردد و از نومسلمانان جزیه گرفته نشود. او همچنین دشنام گویی و اهانت به علی علیه السلام را که معاویه به اجبار رسم کرده بود، منع نمود و **فدک** را به اهل بیت بازگرداند. این اقدام ها موجب تغییر مهم و تحول پایداری در سیاست امویان نشد؛ چراکه دوران خلافت عمر بن عبدالعزیز کوتاه بود و خلفای بعدی، سیاست او را کنار نهادند، اما نام نیکی از او برجای گذاشت.

قیام ها و جنبش های دوره اموی

مخالفت ها بر ضد بنی امیه

با وجود آنکه معاویه و جانشینانش برای تحکیم حکومت خود از امکانات و ترفندهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و تبلیغی مختلفی بهره می بردند، اما همواره با مقاومت و مخالفت های جدی روبه رو بودند.

در سرتاسر دوران خلافت بنی امیه، مناطق مختلف جهان اسلام به ویژه عراق، حجاز (مکه و مدینه) و ایران صحنه مبارزه و جنبش های اعتراضی مخالفان حکومت اموی بود. شیعیان و پیروان علی علیه السلام که به **علویان** معروف بودند به همراه **موالی** مهم ترین گروه مخالفان حکومت اموی را تشکیل می دادند. **بازماندگان** خوارج نیز با حکومت اموی سازگاری نداشتند و مخالفت می کردند.

نتیجه مخالفت ها:

این حرکت ها اگرچه با بی رحمی و خشونت زیاد امویان سرکوب شد، اما ماهیت واقعی حکومت بنی امیه را برای بسیاری از مسلمانان آشکار کرد و زمینه ساز انحطاط و ضعف حکومت آنان گردید.

قیام‌های ضداموی

قیام / شورش	زمان و مکان	علت قیام / شورش	نتیجه قیام / شورش
قیام کربلا	محرم ۶۱ ق کربلا	امام حسین <small>علیه السلام</small> که خلافت یزید را قبول نداشت و نمی‌خواست با او بیعت کند، از مدینه به مکه و از آنجا رهسپار کوفه شد.	امام و یارانش به شهادت رسیدند و خاتواده آن حضرت به اسارت گرفته شدند. قیام کربلا، زمینه‌ساز قیام‌های متعدد بر علیه حکومت اموی شد. این قیام‌ها گرچه در بسیاری از موارد به پیروزی نرسیدند اما در متوقف کردن نقشه‌های دراز مدت بنی‌امیه در محو اسلام تأثیر خود را برجای گذاشتند.
قیام مردم مدینه یا واقعهٔ خَرّه	۳۳ ع مدینه	مردم مدینه به رهبری عبدالله بن خنظله انصاری در اعتراض به اقدامات یزید و کارگزاران او قیام کردند و حاکم شهر را بیرون راندند.	سپاه اموی به فرماندهی مسلم بن عقبه که فردی بسیار بی‌رحم و سفاک بود، عدهٔ زیادی از مردم مدینه را به‌طور فجیعی کشت و قیام را سرکوب کرد.
قیام توأبین	۵۵ ع کربلا	توأبین گروهی از مردم کوفه بودند که از گناه یاری نکردن امام حسین <small>علیه السلام</small> در کربلا، توبه کردند و در حرکتی احساسی به قصد خون‌خواهی آن حضرت به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی وارد جنگ با سپاه اموی شدند.	بیشتر توأبین در جنگی نابرابر با سپاه اموی شکست خوردند و بسیاری از آنان کشته شدند.
قیام مختار	۶۶-۶۷ ع کوفه	مختار که عدهٔ زیادی از یاران او را ایرانیان (موالی) تشکیل می‌دادند، به خون‌خواهی امام حسین <small>علیه السلام</small> قیام کرد و بسیاری از عاملان واقعهٔ کربلا را مجازات کرد.	لشکریان عبدالله بن زبیر سپاه مختار را به دلیل وجود اختلاف و دودستگی میان اعراب و ایرانیان شکست دادند و با تصرف کوفه، مختار و بسیاری از یارانش را کشتند.
شورش عبدالله بن زبیر	۶۱-۷۳ ق مکه	عبدالله بن زبیر با پناه جستن به مکه از بیعت با یزید سر باز زد. او پس از مرگ یزید خود را خلیفه خواند و از مردم بیعت گرفت.	در زمان خلافت عبدالملک مروان، سپاه اموی به فرماندهی حجاج بن یوسف، به مکه حمله کرد و مسجدالحرام را که ابن‌زبیر در آنجا پناه گزیده بود، با منجنیق هدف قرار داد و سرانجام عبدالله بن زبیر را کشت.
شورش ابن‌اشعث	۸۱-۸۲ ق سیستان تا بصره	عبدالرحمن بن اشعث که از سوی حجاج حاکم عراق به فرماندهی سپاهی مأمور جنگ با خوارج و رتبیل، پادشاه کابل، شده بود، چون نمی‌خواست از عراق دور شود، به همراه سپاهیانش بر حجاج و خلیفهٔ اموی شورش کرد.	حجاج موفق شد، ابن اشعث را که بسیاری از موالی هم به او پیوسته بودند، شکست دهد و به قتل برساند.
قیام زید بن علی	۱۲۲ ق کوفه	زید فرزند امام سجاد <small>علیه السلام</small> در زمان خلافت هشام بن عبدالملک در مخالفت با ظلم و ستم و فسق و فجور امویان قیام کرد.	یوسف بن عمر، حاکم اموی عراق که از قصد زید برای قیام با خبر شده بود، مانع از پیوستن مردم کوفه به او شد و توانست زید و معدود افرادی را که با او قیام کرده بودند، شکست دهد.
قیام یحیی بن زید	۱۲۵ ق خراسان	یحیی بن زید، پس از شکست و قتل پدرش در کوفه به سوی نواحی داخلی ایران فرار کرد و در خراسان علم مخالفت با حکومت اموی پرافراشت و عدهٔ زیادی از مردم به دور او جمع شدند.	یحیی پس از چندین جنگ و گریز در شهرهای مختلف خراسان، سرانجام در جوزجان شکست خورد و به همراه عده‌ای از یارانش کشته شد. پیکر یحیی تا زمان قیام ابومسلم خراسانی بر دروازهٔ جوزجان به دار آویخته شده بود.
قیام عبدالله بن معاویه	۱۲۷-۱۲۹ ق عراق و ایران	عبدالله بن معاویه از نوادگان جعفر بن ابی‌طالب با مشاهدهٔ اوضاع آشفتهٔ خلافت اموی در کوفه قیام کرد؛ مردم کوفه در حمایت از رهبر قیام سستی کردند، از این‌رو عبدالله به ایران رفت و با کمک ایرانیان با عاملان اموی درگیر شد.	عبدالله در سال ۱۲۹ ق در استخر فارس از عامل اموی شکست خورد و به هرات گریخت و در آنجا توسط عامل ابومسلم دستگیر و سرانجام در زندان ابومسلم جان داد یا کشته شد.
قیام عباسیان	حدود ۱۲۰ تا ۱۳۲ ق عراق و ایران	آشفته‌گی اوضاع حکومت اموی موجب شد که عباسیان نخست فعالیت‌های تبلیغی و سپس حرکت سیاسی و نظامی خود را برای کسب قدرت آغاز کنند.	ابومسلم فرمانده سپاه‌جامگان با شکست عاملان اموی در ایران و ورود به کوفه، ابوالعباس سفاک از خاندان عباسی را به خلافت نشاند و سپس مروان بن محمد آخرین خلیفهٔ اموی را کشت.

قیام امام حسین علیه السلام:

به گواه بسیاری از مورخان و محققانی که درباره تاریخ اسلام، تحقیق کرده اند، نهضت عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام و ۷۲ تن از یاران با وفایش در صحرای کربلا، رویدادی عظیم و سرنوشت ساز نه تنها در تاریخ اسلام، بلکه در تاریخ بشر است. این واقعه حماسی، تأثیر فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بسزایی بر جوامع مسلمان، مخصوصاً شیعیان و حتی ملت های غیرمسلمان نهاده است.

شما درباره نهضت عاشورا مطالب زیادی را در کتاب های درسی و یا سایر رسانه ها خوانده و شنیده اید، آنچه که در خصوص این واقعه بیشتر ذهن هر پژوهشگری را به خود جلب می کند، این است که چرا امام حسین(ع) دست به چنین اقدامی زد.

اهمیت دوران امام سجاد علیه السلام

با شهادت **امام حسین علیه السلام**، امامت به تنها پسر باقی مانده آن حضرت، یعنی **امام سجاد علیه السلام** (۳۸ - ۹۴ یا ۹۵ ق) انتقال یافت. دوره امامت آن حضرت یکی از سخت‌ترین دوران برای اهل بیت و شیعیان بود. چهارمین امام شیعه، ضمن زنده نگه‌داشتن نام **امام حسین علیه السلام**، به بیان اهداف **قیام کربلا** پرداخت.

ایشان همچنین با جلوگیری از ورود پیروان مکتب اهل بیت به درگیری‌های بی‌حاصل و کم‌فایده، به صورت مدبرانه ای مانع نابودی شیعیان شد. عبادت فراوان و دعاها و مناجات‌های دلنشین آن حضرت و رساله حقوق ایشان مشهور است. **صحیفه سجادیه**، کتابی شامل ۵۴ مناجات و دعا از امام سجاد، نزد شیعیان جایگاه مهمی دارد. ایشان همچنین نقش تعیین‌کننده‌ای در عرضه تعالیم اسلامی در مدینه داشت.

مهم‌ترین فعالیت‌های امامان شیعه پس از امام سجاد(ع)

پس از امام سجاد علیه‌السلام، امامان شیعه، عمده کوشش خود را بر ترویج مکتب اهل بیت، مبارزه با جریان‌های فکری منحرف و تربیت شاگردان توانمند متمرکز کردند و منظومه‌ای از معارف اسلامی با عنوان مکتب اهل بیت به وجود آوردند. از این‌رو، امام محمد باقر (۵۷ - ۱۱۴ ق) و امام جعفر صادق (۸۳ - ۱۴۸ ق) **علیهماالسلام**، توانستند با بهره‌گیری از شرایطی که پدید آمد، نهضت علمی وسیعی را سامان دهند. ایشان شاگردان زیادی را در معارف دینی مانند فقه، حدیث و تفسیر تربیت و حقیقت **مذهب تشیع** را تبیین کردند. نهضت علمی این دو امام چنان گسترده و غنی بود که پیشوایان فکری و پیروان مذاهب اسلامی و غیراسلامی را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد و به جلسه درس آنان می‌کشاند.

عباسیان چه کسانی بودند؟

عباسیان یا بنی عباس منسوب به عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر هستند. با اوج گیری مخالفت و مبارزه با حکومت اموی در اوایل قرن دوم هجری، خاندان عباسی شبکه منظمی از داعیان (مبلغان) را به وجود آوردند که به صورت سری فعالیت می کردند. این داعیان کانون فعالیت های خود را مناطق دور از مرکز خلافت به خصوص خراسان که گرفتار درگیری های قبیله های مهاجر عرب بود، قرار داده بودند. تبلیغات داعیان عباسی بسیار زیرکانه و حساب شده بود.

روش فعالیت داعیان عباسی

آنان نخست، معایب حکومت بنی امیه و ظلم و ستمی را که امویان نسبت به اهل بیت پیامبر مرتکب شده بودند، بیان می کردند و سپس بدون اسم بردن از فرد خاصی، مردم را به حکومت «آل محمد» فرا می خواندند. دعوت به آل محمد از یک سو باعث می شد که شیعیان و طرفداران اهل بیت جذب جنبش شوند و از سوی دیگر ماهیت رهبر واقعی جنبش مشخص نشود و از تعقیب و مجازات در امان بماند.

قیام ابومسلم خراسانی

پس از مرگ هشام بن عبدالملک (۱۲۵ق) و تشدید اختلاف و نزاع در خاندان بنی امیه، فعالیت شبکه تبلیغاتی عباسیان به طرز چشمگیری افزایش یافت. دعوت عباسی به دنبال پیوستن **ابومسلم خراسانی** به جنبش و استقرار او در خراسان، وارد مرحله سرنوشت سازی شد.

ابومسلم، سرانجام به فرمان رهبر جنبش عباسی هواداران نهضت را فراخواند و سپاهی تشکیل داد. افراد این سپاه که شامل مسلمانان ایرانی و عرب ساکن خراسان بودند، پرچم‌های سپاه را که نشان عباسیان بود، برافراشتند و به **سیاه‌جامگان** مشهور شدند. **ابومسلم** با شکست عاملان اموی و فتح شهرهای مختلف خراسان و برخی نواحی دیگر، وارد کوفه شد و ابوالعباس سفاح، از خاندان عباسی را به خلافت نشانید (۱۳۲ق). ابومسلم سپس بقایای نیروهای طرفدار خلافت بنی امیه را در هم کوبید و مروان آخرین خلیفه اموی را به همراه بسیاری از اعضای خاندان او از میان برداشت.

امویان آندلس

پس از سقوط خلافت اموی، یکی از نوادگان هشام بن عبدالملک، به نام عبدالرحمان بن معاویه به شمال آفریقا فرار کرد. او سرانجام موفق شد، **شهر قرطبه در آندلس** را تصرف و حکومت امویان را در آنجا پایه ریزی کند (۱۳۸ ق). خاندان اموی با سرکوب شورش‌های داخلی و دفع حملات مسیحیان تا سال ۴۲۲ ق، به صورت مستقل از خلافت عباسیان، بر سرزمین آندلس حکومت کردند.

سرانجام امویان آندلس

پس از آن خاندان‌های مسلمان دیگری بر سر کار آمدند که اتحاد و انسجام مناسبی نداشتند. به همین دلیل آندلس از نظر قدرت سیاسی و نظامی دچار ضعف و انحطاط شد. مسیحیان از این وضعیت استفاده کردند و به تدریج به فرمانروایی مسلمانان بر آن سرزمین پایان دادند (۸۹۸ ق).

فتح اندلس
 ۹۲ ق. / ۷۱۱ م.

- مسیر طارق بن زیاد
- مسیر موسی بن نصیر
- مسیر عبدالعزیز بن موسی

مناطقى كه مسلمانان در اندلس فتح كردند.

مناطقى كه مسلمانان فتح كردند و از آن عقب نشستند.



جدول خلفای اموی در اندلس

ردیف	نام خلیفه	سال خلافت
۱	عبدالرحمان بن معاویه (عبدالرحمان اول معروف به الداخل)	۱۷۲-۱۳۸ ق
۲	هشام بن عبدالرحمان (هشام اول)	۱۸۰-۱۷۲ ق
۳	حکَم بن هشام (حکَم اول)	۲۰۶-۱۸۰ ق
۴	عبدالرحمان بن حکَم (عبدالرحمان دوم)	۲۳۸-۲۰۶ ق
۵	محمد بن عبدالرحمان (محمد اول)	۲۷۳-۲۳۸ ق
۶	منذر بن محمد	۲۷۳-۲۷۵ ق
۷	عبدالله بن محمد	۳۰۰-۲۷۵ ق
۸	عبدالرحمان بن محمد (عبدالرحمان سوم)	۳۵۰-۳۰۰ ق
۹	حکَم بن عبدالرحمان (حکَم دوم)	۳۶۶-۳۵۰ ق
۱۰	هشام بن حکَم (هشام دوم)	دوره اول خلافتش ۳۹۹-۳۶۶ ق
۱۱	محمد بن هشام (محمد دوم)	دوره اول خلافتش ۴۰۰-۳۹۹ ق
۱۲	سلیمان بن حکَم	دوره اول خلافتش ۴۰۰ ق
	محمد بن هشام (محمد دوم)	دوره دوم خلافتش ۴۰۰ ق
	هشام بن حکَم (هشام دوم)	دوره دوم خلافتش ۴۰۳-۴۰۰ ق
	سلیمان بن حکَم	دوره دوم خلافتش ۴۰۷-۴۰۳ ق
	علی بن حمود (از خلفای بنی حمود)	۴۰۷ ق
۱۳	عبدالرحمان بن محمد (عبدالرحمان چهارم)	۴۰۸-۴۰۷ ق
	قاسم بن حمود (از خلفای بنی حمود)	دوره اول خلافتش ۴۱۲-۴۰۸ ق
	یحیی بن علی (از خلفای بنی حمود)	دوره اول خلافتش ۴۱۳-۴۱۲ ق
	قاسم بن حمود	دوره دوم خلافتش ۴۱۴-۴۱۳ ق
۱۴	عبدالرحمان بن هشام (عبدالرحمان پنجم)	۴۱۴ ق
۱۵	محمد بن عبدالرحمن (محمد سوم)	۴۱۶-۴۱۴ ق
	یحیی بن علی (از خلفای بنی حمود)	دوره دوم خلافتش ۴۱۸-۴۱۶ ق
۱۶	هشام بن عبدالرحمان (هشام سوم)	۴۲۲-۴۱۸ ق

وضعیت اقتصادی مسلمانان در اندلس

- دوران حکومت مسلمانان در اندلس با شکوفایی اقتصادی و پیشرفت های شگرف علمی و تمدنی همراه بود.
- اسپانیای مسلمان در مجموع سرزمین ثروتمندی بود که شهرهایی بزرگ، آباد و پرجمعیت داشت. پیرامون این شهرها را ناحیه روستایی در بر می گرفت که ساکنان آن در رفاه و خوشبختی زندگی می کردند و دارای مزارع سرسبز، گله های بزرگ و کوچک دام، وسایل خوب و حیوانات بارکش بودند.
- شهرهای اندلس همچنین مراکز اقتصادی مهمی به شمار می رفتند و بازارها و کارگاه های صنعتی متعددی را در خود جای داده بودند.
- بازرگانی داخلی و خارجی در مسیرهای زمینی و دریایی رونق چشمگیری داشت و بازرگانان اندلسی ارتباط تجاری گسترده ای را با سرزمین های حوزه دریای مدیترانه و دیگر مناطق دور و نزدیک تر برقرار کرده بودند.

دستاوردهای علمی مسلمانان اندلس

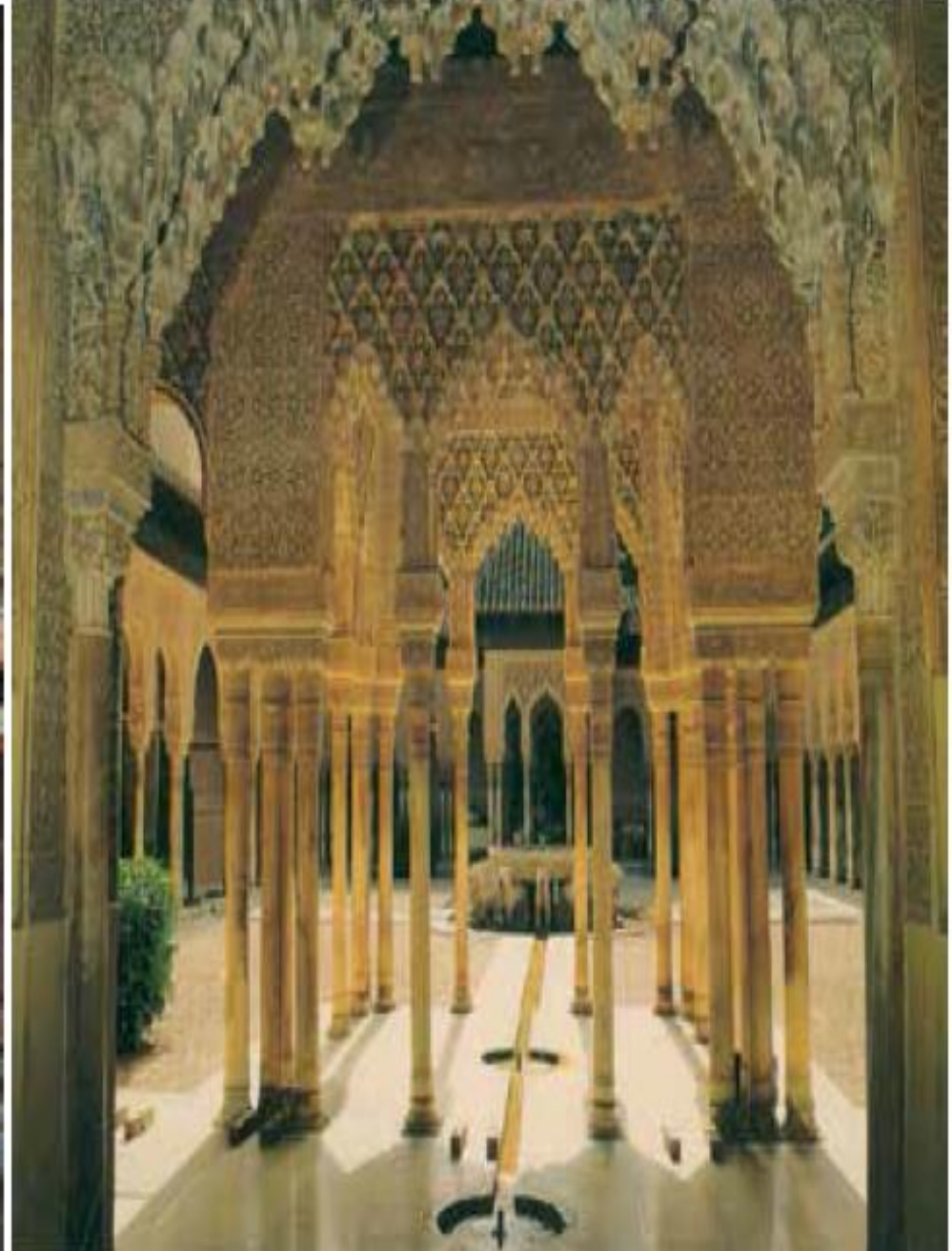
برجسته ترین میراث اسلامی اندلس در عرصه علم و اندیشه تجلی یافت و مسلمانان اندلسی نقش مؤثر و پویایی را در پیشرفت رشته‌های گوناگون علوم و معارف از قبیل تفسیر، حدیث، فقه، کلام، ادبیات، پزشکی، داروسازی، گیاه‌شناسی، ریاضیات، نجوم و مهم تر از همه فلسفه ایفا کردند. به جرأت می توان گفت که بخش قابل توجهی از پیشرفت‌های علمی اروپاییان در قرون بعد، نتیجه آشنایی آنان با دستاوردهای علمی دانشمندان و عالمان مسلمان اندلسی بود.

معماری مسلمانان در اندلس

اندلس اسلامی در عرصه معماری نیز بسیار شکوفا بود. مسجد جامع قرطبه و کاخ الحَمراء غرناطه، دو شاهکار معماری جهان اسلام به شمار می روند که سالانه میلیون ها گردشگر را از اقصی نقاط جهان جلب می کنند. نمونه های شگفت انگیز دیگری از معماری شکوهمند مسلمانان اندلسی بر جای مانده است.



مسجد جامع قرطبه



كاخ الخمر

پایان

